

خطبه فدکیه حضرت زهرا در مسجد

خطبتهای علیها السلام بعد غصب فدک
روی آنه لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَدَكَ وَبَلَّغَهَا ذَلِكَ، لَأَثَّ خَمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا، وَاشْتَمَلَتْ
بِجَلْبَابِهَا، وَاقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ مِنْ حَفْدَتِهَا وَنَسَاءِ قَوْمِهَا، تَطَأَ ذِيولِهَا، مَا تَخْرَمُ مَشِيَّتَهَا مَشِيئَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ، حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ، وَهُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ، فَنَيْطَتْ دُونَهَا مَلَاءَةً فَجَلَسَتْ، ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ
أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبُكَاءِ، فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ، ثُمَّ أَمَهَلَتْ هَنِيئَةً .
حَتَّى إِذَا سَكَنَ نَشِيحُ الْقَوْمِ وَهَدَأَتْ فَوْرَتِهِمْ، افْتَتَحَتْ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ، فَعَادَ الْقَوْمُ فِي
بُكَائِهِمْ، فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ فِي كَلَامِهَا فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ :

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومٍ نَعِمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوحِ الْإِئْتِدَاءِ، وَ تَمَامِ مَنِّ
أَوْلَاهَا، جَمَّ عَنِ الْأَحْصَاءِ عَدَدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمَدُهَا، وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْأِدْرَاكِ أَبْدَاهَا، وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا،
وَ اسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِأَجْزَالِهَا، وَ ثَنَى بِالتَّنْدِبِ إِلَى أَمْثَالِهَا .

خطبه آن حضرت بعد از غصب فدک
روایت شده: هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه علیها السلام بگیرند و این خبر به
ایشان رسید، لباس بتن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود بسوی مسجد روانه شد،
در حالیکه چادرش به زمین کشیده می‌شد، و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عدهای
از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پردهای اویختند، آنگاه ناله‌های
جانسوز از دل برآورد که همه مردم بگریه افتادند و مجلس و مسجد بسختی به جنبش درآمد .
سپس لحظهای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت، آنگاه
کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست،
وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود :
حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از
نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منتهای بی‌شماری که ارزانی داشت، که
شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند،
تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت
نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد .

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْزَلَ فِي التَّفَكُّرِ
مَعْقُولَهَا، الْمُؤْتَنِعَ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيِيئَهُ، وَ مِنَ الْأَلْسِنِ صِفْتَهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيئَتَهُ .
ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِأَحْتِدَاءِ أَمْثَلِهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ دَرَأَهَا بِمَشِيئَتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ
مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَائِدَةَ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ وَ تَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَ تَعَبُّدًا لِبَرِّيَّتِهِ، وَ
إِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِعْمَتِهِ وَ حَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى
جَنَّتِهِ .

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَيْمَحَمَدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ يُنْتَعَبَهُ، إِذِ الْخَلِائِقُ بِالْعَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَ بَسْتَرِ الْأَهْوِيلِ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَ احْطَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ .

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشمها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند .
 موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌های موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌های برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش، و اظهار قدرت خود، و شناسائی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگان را از نعمتش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد .
 و گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات .

إِنْتَعَبْتَهُ اللَّهُ إِنْثَامًا لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ انْفَادًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْأُمَّمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا .

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَيْمَحَمَدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ظُلْمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ غَمَمَهَا، وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعُمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ .
 ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافِعَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَعْبَةً وَ اِيثَارٍ، فَمَحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حُفَّتْ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ، وَ مُجَاوَزَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيٍّ وَ أَمِينِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيَّتِهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

ثم التفت الى اهل المجلس و قالت :

أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصِبَ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، وَ حَمَلَتْهُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَّمِ، زَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ

او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امتها را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشهای افروخته معتکف و بتهای تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند .

پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی‌های آن را روشن، و مشکلات قلبیها را برطرف، و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و بینایشان کرده، و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود .

تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد .

آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود :

شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلغان او بسوی امتهایید، زمامدار حق در میان

فِيكُمْ، وَ عَهْدٍ قَدَمَهُ الْيَوْمَ، وَ بَقِيَّةِ اسْتِخْلَافِهَا عَلَيْكُمْ: كِتَابُ اللَّهِ التَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرَهُ، مُنْجِلِيَّةٌ ظَوَاهِرَهُ، مُغْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ اِتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ .
 بِهِ تَنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمَفْسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمَحْدَرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخْصَةُ الْمُوهُوبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ .

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِيبَةً لِلنَّفْسِ وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيْتاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيْقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفِرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ .
 وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَ قَائِمَةً مِنَ السَّخَطِ، وَ صَلَاةَ الْأَرْحَامِ مَنَسَاءً فِي الْعُمُرِ وَ مَنَمَاءً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حِقْناً لِلدِّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيزاً لِلْمَعْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيْرًا لِلْبَخْسِ .

شما بوده، و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی تو فرستاده، و باقیماندهای است که برای شما باقی گذارده، و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درخشان است، که بیان و حجت‌های آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوهرگر می‌باشد، پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده، و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می‌گردد، و شنیدن آن راه نجات است. بوسیله آن می‌توان به حجت‌های نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محرّماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهیهای جلوهرگرش و برهانهای کافیش و فضائل پسندیده‌اش، و رخصتهای بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست یافت .
 پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالتورزی را برای التیام قلبها، و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن ملت‌ها، و امامت‌مان را برای رهایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در بدست آوردن پاداش قرار داد .

وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ إِجَاباً لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَمَ اللَّهِ الشَّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ .
 فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .

ثم قالت :

أَيُّهَا النَّاسُ! اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِيْمَحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْداً وَ بَدْءاً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلْطاً، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ سَطْطاً، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ .
 فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَ تَعْرِفُوهُ وَ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَحَا ابْنَ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لَنِعْمَ الْمَعْرِزِيُّ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .
 فَبَلَّغِ الرِّسَالَةَ صَادِعاً بِالنَّذَارَةِ، مَائِلاً عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِباً ثَبَجَهُمْ، أَخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَجُفُّ الْأَصْنَامُ وَ يَنْكُثُ الْهَامُ، حَتَّى أَنْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ وَ لَوْ الدَّبْرُ .

و امر به معروف را برای مصلحت جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صلح ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کمفروشی مقرر فرمود .
 و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه پرستی خالص شوند .
 پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از خاک می‌ترسند. آنگاه فرمود :

ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می‌گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطوف است .

پس اگر او را بشناسید می‌دانید که او در میان زنانان پدر من بوده، و در میان مردانان برادر پسر عموی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم .

رسالت خود را با انداز انجام داد، از پرتگاه مشرکان کنارگیری کرده، شمشیر بر فرقیان نواخت، گلویشان را گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارش دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه توزان را می شکند، تا جمعیان منهزم شده و از میدان گریختند .

حَتَّى تَفْرَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَ أَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَ حَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النَّفَاقِ، وَ انْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فَهَتَمَ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ .

وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَ مَوْطِيَةَ الْأَقْدَامِ، تَشْرِبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقَدَّ، أَدْلَهُ حَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّيْلِ وَ النَّتِيِّ وَ اللَّتِيِّ، وَ بَعْدَ أَنْ مَنَى بِبِهِمُ الرَّجَالُ، وَ دُوبَانَ الْعَرَبِ، وَ مَرَدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ .

كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَّمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفِيءُ حَتَّى يَطَأَ جَنَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ، وَ يَخْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ،

سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْمَرًا نَاصِحًا مُجِدًّا كَادِحًا، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ .

وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَ ادْعُونَ فَاكِبَهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَابِّ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَتَكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَ تَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ .

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید، زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره های کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند .

و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعه های آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار داشتید، همچون آتشنه های بودید که بلافاصله خاموش می گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می کردید، خوار و مطرود بودید، می ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتیها کشیدید .

هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا از دهائی از مشرکین دهان باز کرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرانان را به زمین نمی کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی کرد، باز نمی گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحتگر، تلاشگر، و کوششکننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامتکننده نمی هراسید. و این در هنگامه ای بود که شما در آسایش زندگی می کردید، در مهد امن متنعم بودید، و در انتظار بسر می بردید تا ناراحتی ها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می کردید، و به هنگام نبرد فرار می نمودید .

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النَّفَاقِ، وَ سَمَلَ جَلْبَابُ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْعَاوِينَ، وَ نَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَزِهِ، هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ

لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مُمْلِحِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ
إِبْلُكُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِبِكُمْ .

هذا، وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلِمَةُ رَحِيبٌ، وَ الْجَرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، إِبْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ
سَقَطُوا، وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ .

فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ، وَ أَنَّى تُؤَفِّكُونَ، وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ
زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرَبْتُمْ عَنْهُ تَرِيدُونَ؟ أَمْ بَغْيِهِ تَحْكُمُونَ؟ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ
بَدَلًا، وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ .

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین
کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد،
و در خانههایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد
پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به
آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید،
و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید .

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحات التیام نیافته، و پیامبر به قبر
سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته اید، و برآستی جهنم کافران
را احاطه نموده است .

این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا رویاروی
شماست، آموزش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن
را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی
است، و هر کس غیر از اسلام دینی را جويا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود .

ثُمَّ لَمْ تَلْتُوا إِلَى رَيْثِ أَنْ تَسْكُنَ نَفَرْتَهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ ثُورُونَ وَ قَدْتَهَا، وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ
لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْعَوِيِّ، وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسِرُّونَ حَسُوءًا فِي ارْتِعَاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ
وَلَدِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الصَّرَاءِ، وَ نَصَبِ مَنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمَدَى، وَ وَخْرِ السَّنَانِفِ الْحَشَا .
وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ، وَ مَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى، قَدْ
تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيَةِ أَنَّى ابْنَتُهُ .

آيَهَا الْمُسْلِمُونَ! أَغْلَبَ عَلَى إِرْثِي؟ يَا بَنَ أَبَيْقَحَافَةَ! أَفَى كِتَابِ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ وَ لَا إِرْثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا، أَفَعَلَى عَمَدٍ
تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (۱) وَ قَالَ فِيمَا افْتَضَّ مِنْ حَبْرٍ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ:
«فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثَ مِنْ الْبِعْقُوبِ»، (۲) وَ قَالَ: «وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل‌رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتشگیره‌ها را افروخته تر کرده،
و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و
از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خورید، و برای خانواده و
فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما باید بر این امور که همچون خنجر بران و
فرورفتن نیزه در میان شکم است، صبر کنیم .

و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی
بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او
هستم .

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر ابی‌قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت
ارث ببری و از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر

می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گوید «سلیمان از داود ارث برد»، و در مورد خیر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از

بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»، (۳) وَ قَالَ «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ»، (۴) وَ قَالَ «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». (۵)

وَ زَعَمْتُمْ أَنْ لَا حَظَّوَةٌ لِي، وَ لَا ارْثٌ مِنْ أَبِي، وَ لَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أَفَحَصَّكُمُ اللَّهُ بِأَيَّةِ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟ فِدُونَكُمَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ .

فِنِعْمَ الْحَكْمُ اللَّهُ، وَ الرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيَامَةَ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ، وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ .

ثم رمت بطرفها نحو الانصار، فقالت :

دیگرانند»، و فرموده: «خدای تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقی است برای پرهیزگاران .»

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌های نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌های به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاه‌ترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد .

چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود. آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود :

يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَ أَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَ حَضَنَةَ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْعَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَ السَّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ»، سَرَعَانَ مَا أَحْدَثْتُمْ وَ عَجْلَانَ ذَا إِهَالَةٍ، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحْوَلُ، وَ قُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَ أَزَاوِلُ .

أَتَقُولُونَ مَا مُحَمَّدٌ؟ فَخَطَبٌ جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَ هُنَّ، وَ اسْتَنْهَرَ فَتَقَهُ، وَ انْفَتَقَ رَتْقَهُ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِعَيْبَتِهِ، وَ كُسِفَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ انْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَ أَكَدَّتِ الْأَمَالَ، وَ حَشَعَتِ الْجِبَالَ، وَ أَضْيَعَ الْحَرِيمِ، وَ أَزِيلَتِ الْحَرَمَةَ عِنْدَ مَمَاتِهِ .

فَتَلَكَّ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَامِثُهَا نَازِلَةٌ، وَ لَا بَائِقَةً عَاجِلَةً أُعْلِنَ بِهَا، كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ، وَ فِي مُمْسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ، يَهْتِفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هُتَافًا وَ صَرَاحًا وَ تِلَاوَةً وَ الْحَانَا، وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ .

«وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ

ای گروه نقباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهلانگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هرکس در فرزندان او حفظ می‌شود»، چه سرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فروریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصد می‌باشد .

آیا می‌گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوهها از جای فروریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند .
 بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیمتر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه‌هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آن را می‌خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید :
 محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد

فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ . (۶)

ایها بنی‌قیلۀ! اَهُضُمْتُ ثَرَاتَ أَبِي وَ أَنْتُمْ بِمَرَأَى مَتْنِي وَ مَسْمَعِ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعِ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمْ الْخَبْرَةُ، وَ أَنْتُمْ دَوُو الْعَدَدِ وَ الْعُدَّةِ وَ الْأَدَاةِ وَ الْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَ الْجِنَّةُ، تُؤَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغَيُّونَ، وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ التَّخْبَةُ الَّتِي انْتَخَبْتُمْ، وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرْتُمْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ .
 قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأَمَمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبِهْمَ، لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَ خَصَعَتْ نُعْرَةَ الشَّرْكِ، وَ سَكَنْتْ قَوْرَةَ الْأَفْكِ، وَ خَمَدَتْ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَ هَدَأَتْ دَعْوَةَ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَاتَى حِزْمُ بَعْدَ النَّبِيَانِ، وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْأِعْلَانِ، وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْأِقْدَامِ، وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ؟

بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ، وَ هَمُّوا

بخدا زبانی نمی‌رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد .»

ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرات و ذخیره‌اید، و دارای ابزار و قوه‌اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل بیت برگزیده شدید !
 با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدتها شدید، و با امتهای رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید .

وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و خواستند پیامبر

بِأَخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدْوُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ، اتَّخَشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ .

أَلَا، وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَ أَبَعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ حَلَوْتُمْ بِالْأَدْعَاءِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالصِّيقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَبْتُمْ، وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، فَإِنْ تَكْفَرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَعَنِي حَمِيدًا .
 أَلَا، وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخِدْلَةِ الَّتِي خَامَرْتُمْ، وَ الْعُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا فَيْضَةٌ

التَّفْسِ، وَ نَفْثَةُ الْعَيْظِ، وَ حَوْرُ الْقَنَاةِ، وَ بَثَّةُ الصَّدْرِ، وَ تَفْدِمَةُ الْحَجَّةِ، فَدُونَكُمْوَهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِبَةَ الْخَفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَعْضِ الْجَبَّارِ وَ سَنَارِ الْأَبْدِ، مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَي الْأَفْئِدَةِ .

فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آيَ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، وَ أَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا أَنَا عَامِلُونَ، وَ انْتَظِرُوا أَنَا مُنْتَظِرُونَ .

فأجابها أبو بكر عبدالله بن عثمان، و قال :

را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید .

آگاه باشید می‌بینیم که به تناسائی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساختهایید، با راحتطلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروبرده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است. آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کامل بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بی‌وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمل نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاولدار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آن‌انکه ستم کردند به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی باز خواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هر چه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم .

آنگاه ابوبکر پاسخ داد:

يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَوْوْفًا رَحِيمًا، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَ عِقَابًا عَظِيمًا، إِنَّ عَزْوَانَهُ وَ جَدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَ أَحَا الْفِكِ دُونَ الْأَخِلَاءِ، اَثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَ سَاعَدَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ، وَ لَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ .

فَأَنْتُمْ عِثْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، الْخَيْرَةُ الْمُنتَجِبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ ادِلَّتْنَا وَ إِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَ أَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ وَ ابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وُفُورِ عَقْلِكَ، غَيْرَ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَ لَا مَصْدُودَةٌ عَنْ صَدِّقِكَ .

وَ اللَّهُ مَا عَدُوْتُ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ، وَ لَا عَمِلْتُ إِلَّا بِأَذْنِهِ، وَ الرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَ أَنِّي أَشْهَدُ اللَّهُ وَ كَفَى بِهِ شَهِيدًا، أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ دَهَبًا وَ لَا فِضَّةً، وَ لَا دَارًا وَ لَا عِقَارًا، وَ إِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ النَّبُوَّةَ، وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلَوْلِي الْأَمْرِ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ.»

ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رؤف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادت‌مندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمرند .

پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صادقیت مانعی ایجاد نخواهد گردید .

و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گوئید، و خدا را گواه می‌گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهیم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولی امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید.»

وَ قَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكِرَاعِ وَالسَّلَاحِ، يُفَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَيُجَالِدُونَ الْمَرَدَّةَ الْفَجَّارَ، وَ ذَلِكَ بِاجْتِمَاعِ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفِرْ بِهِ وَحْدِي، وَ لَمْ أَسْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي، وَ هَذِهِ حَالِي وَ مَالِي، هِيَ لَكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ، لَا تَزْوِي عَنْكَ وَ لَا نَدْخُرْ دُونَكَ، وَ أَنْتَ سَيِّدَةُ أُمَّهَ أَبِيكَ وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكَ، لَا يُدْفَعُ مَالِكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا يُوَضَعُ فِي فَرْعِكَ وَ أَصْلِكَ، حُكْمِكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ، فَهَلْ تَرِيْنُ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَاكَ أَبَاكَ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ).

فَقَالَتْ :

سُبْحَانَ اللهِ، مَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللهِ عَنْ كِتَابِ اللهِ صَادِقًا، وَ لَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالَفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ آثَرَهُ، وَ يَقْفُو سُورَهُ، أَفْتَجَمَعُونَ إِلَيَّ الْعُذْرَ اعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهَةٌ بِمَا بَغَى لَهُ مِنَ الْعَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَضْلًا، يَقُولُ: «يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ الْيَعْقُوبِ»، وَ يَقُولُ: «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ.»

و ما آنچه را که می‌خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزد من، و در رأی و نظرم مستبدانه عمل ننمودم، و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توئی سرور بانوان امت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندان، فضائل انکار نشده، و از شاخه و ساقهات فروندهاده نمی‌گردد، حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است، آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم .

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود :

پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی‌گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامپهایی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می‌اندازد، و می‌فرماید: - زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که - «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داود ارث برد.»

بَيْنَ عَزٍّ وَ جَلٍّ فِيمَا وَرَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَالْمِيرَاثِ، وَ أَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذَّكَرَانِ وَ الْأُنَاثِ، مَا أَرَاخَ بِهِ عَلَّةَ الْمُبْطِلِينَ وَ أزالَ التَّظَنِّيَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا، فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ .

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ :

صَدَقَ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ إِبْنَتُهُ، مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةِ، وَ رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعُدُ صَوَابِكَ وَ لَا أَنْكُرُ خِطَابِكَ، هُوَ لِأَيِّ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ قَلْدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مَكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدِّ وَ لَا مُسْتَأْتِرٍ، وَ هُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ .

فَالْتَفَتَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ إِلَى النِّسَاءِ، وَ قَالَتْ :

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَيْلِ الْبَاطِلِ، الْمَغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمَعْلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ،

و خداوند در سهمیه هائی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره هائی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست .

ابوبکر گفت :

خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه

حجت و دلیل می‌باشد و راست می‌گوید، سخن حقت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی‌کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبد به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته‌ام، و اینان همگی گواه و شاهدند .

آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود :
ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده میگیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او

و سَاءَ مَا بِهِ أَسْرَثْتُمْ، وَ شَرَّ مَا مِنْهُ اِعْتَصَمْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَ اللّٰهَ مَحْمِلَهُ ثَقِيلاً، وَ غِيْبَهُ وَ بِيْلًا، اِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَآئَهُ الصَّرَاءُ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ .

ثم عطفت على قبر النبي صلى الله عليه و آله، و قالت :

فَقَدْ كَانَ بَعْدَكَ اَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ - لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثِرِ الْخُطْبُ
اِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ اَلْرَضِ وَاِبْلَهَا - وَ اَحْتَلَّ قَوْمَكَ فَاَشْهَدُهُمْ وَ لَا تَعْبُ
وَ كُلُّ اَهْلٍ لَهٗ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ - عِنْدَ الْاِلٰهِ عَلٰى الْاَدْنٰى مُمْتَرِبُ
اَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُوْرِهِمْ - لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ التَّرْبُ
تَجَهَّمْتُنَا رِجَالٌ وَ اسْتَخَفَّ بِنَا - لَمَّا فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْاِرْثِ مُغْتَصَبُ
وَ كُنْتَ بَدْرًا وَ نُوْرًا يُسْتَضَاءُ بِهِ - عَلَيْكَ تُنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ

نشان داده، و با بدچیزی معاوضه نمودید، بخدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پردهها کنار رود و زینهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند .

سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود :

بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی‌کرد .
ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند .

هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما .

مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند .

بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد .

تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می‌گردید .

وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْاَيَاتِ يُؤْنِسُنَا - فَقَدْ فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبُ

فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِفُنَا - لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ

ثم انكفأت عليهاالسلام و اميرالمؤمنين عليهاالسلام يتوقع رجوعها اليه و يتطلع طلوعها عليه، فلما استقرت بها الدار،

قالت لاميرالمؤمنين عليهماالسلام :

يَابْنَ اَبِيطَالِبٍ! اِسْتَمَلْتِ سِمْلَةَ الْجَنِينِ، وَ قَعَدْتِ حُجْرَةَ الظَّنِّينِ، نَقَضْتَ قَادِمَةَ الْاَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيْشُ الْاَعْزَلِ .

هَذَا اِبْنُ اَبِيْحَفَاةٍ يَبْتَرِزْنِي نِحْلَةَ اَبِي وَ بُلْعَةَ اِبْنِي! لَقَدْ اَجْهَرَ فِي خِصَامِي وَ الْفَيْتَةُ اَلْدَّ فِي كَلَامِي حَتَّى حَبَسْتَنِي قَيْلَةً نَصْرَهَا

و الْمُهَاجِرَةُ وَصَلَهَا، وَ غَضَّتِ الْجَمَاعَةَ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ، خَرَجْتُ كَاطْمَةً، وَ عُدْتُ رَاغِمَةً .
أَصْرَعْتُ حَدَّكَ يَوْمَ أَصَعْتُ حَدَّكَ، افْتَرَسْتُ الدَّنَابَ وَ افْتَرَشْتُ التُّرَابَ، مَا كَفَفْتُ قَائِلًا وَ لَا أَغْنَيْتُ بَاطِلًا وَ لَا خِيَارَ لِي، لَيْتَنِي
مِتُّ قَبْلَ هَنِيئَتِي وَ دُونَ ذَلَّتِي، عَذِيرِي اللَّهُ مِنْكَ عَادِيًا وَ مِنْكَ حَامِيًا.

جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده شد .
ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد .
آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام به خانه بازگشت و حضرت علی علیهاالسلام در انتظار او بسر برده و منتظر طلوع
آفتاب جمالش بود، وقتی در خانه آرام گرفت به حضرت علی علیهاالسلام فرمود :
ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده‌نشین شده، و در خانه اتهام به زمین نشستهای، شاهپره‌های شاهین
را شکسته، و حال آنکه پره‌های کوچک هم در پرواز به تو خیانت خواهد کرد. این پسر ابی‌قحافه است که هدیه پدرم و
مایه زندگی دو پسر را از من گرفته است، با کمال وضوح با من دشمنی کرد، و من او را در سخن گفتن با خود
بسیار لجوج و کینه‌توز دیدم، تا آنکه انصار حمایتشان را از من باز داشته، و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و
مردم از یاریم چشمپوشی کردند، نه مدافعی دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در حالی که خشمم را
فرورده بودم از خانه خارج شدم و بدون نتیجه باز گشتم .
آنروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز خویشتن را خانه‌نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را
می‌کشتی، و امروز بر روی زمین آرمیده‌ای، گوینده‌های را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی‌گردانی، و من
از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم مرده بودم، از اینکه اینگونه سخن
می‌گویم خداوندا عذر می‌خواهم، و یاری و کمک از جانب توست .

وَيْلَايَ فِي كُلِّ شَارِقٍ، وَبِلَايَ فِي كُلِّ غَارِبٍ، مَاتَ الْعَمَدُ وَ وَهَنَ الْعُضُدُ، شَكَوَايَ إِلَى أَبِي وَ عَدَوَايَ إِلَى رَبِّي، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَشَدُّ
مِنْهُمْ قُوَّةً وَ حَوْلًا، وَ أَشَدُّ بَأْسًا وَ تَنْكِيلًا .

فقال اميرالمؤمنين عليهالسلام :

لَا وَيْلَ لَكَ، بَلِ الْوَيْلُ لِشَانِكَ، نَهْنَهْنِي عَنْ وُجْدِكَ، يَا ابْنَةَ الصَّفْوَةِ وَ بَقِيَّةَ النَّبُوَّةِ، فَمَا وَنَيْتُ عَنْ دِينِي، وَ لَا أَخْطَأْتُ
مَقْدُورِي، فَإِنْ كُنْتَ تُرِيدِينَ الْبُلْعَةَ فَرِزْقِكَ مَضْمُونًا، وَ كَفَيْلِكَ مَأْمُونًا، وَ مَا أَعَدَّ لَكَ أَفْضَلَ مِمَّا قَطَعَ عَنْكَ، فَاحْتَسِبِي اللَّهَ.
فَقَالَتْ: حَسْبِيَ اللَّهُ، وَ أَمْسَكَت .

از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناه‌م از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا
یاری می‌خواهم، پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است .
حضرت علی علیهاالسلام فرمود: شایسته تو نیست که وای بر من بگویی، بلکه سزاوار دشمن ستمگر توست، ای دختر
برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه در حدّ توانم
است مضائقه نمی‌کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است،
و آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای خدا صبر کن .
حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: خدا مرا کافی است، آنگاه ساکت شد

ورود حضرت زهرا سلامااللهعلیها به مسجد جهت ایراد خطبه

هنگامی که ابوبکر تصمیم نهائی خود را در مورد غصب فدک از حضرت زهرا علیهاالسلام گرفت و نمایندگی حضرت را
از آنجا اخراج نمود و این اخبار به آن حضرت رسید، سر مبارک را پوشانیدند و پوشش کامل بر تن نمودند و با عده‌ای
از زنان خدمتگذار و بانوان خویشاوندانشان برای اعتراض به ابوبکر براه افتادند .
هنگام راه رفتن لباس حضرت به زمین کشیده می‌شد و پایین لباس زیر پایشان می‌رفت (۱)، و راه رفتنشان چنان
بود که گویا پیامبر صلی الله علیه و آله راه می‌روند .

ابوبکر با عده‌ی زیادی از مهاجرین و انصار و دیگر افراد در مسجد نشسته بودند که حضرت وارد شدند، و با آمدن حضرت پرده‌های بین ایشان و مردم آویخته شد. حضرت زهرا علیهاالسلام نشستند و چنان از سوز دل ناله زدند که قلبها به لرزه درآمد و اشکها جاری شد و مردم را به گریه و ضجه واداشتند و مجلس را منقلب کردند. سپس لحظهای درنگ نمودند تا صدای ناله‌های مردم خاموش گردید و از جوش و خروش افتاد .

با آرامش مجلس حضرت صحبت خود را با حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز نمودند. مردم با شنیدن کلام آن حضرت بار دیگر شروع به گریه کردند، و حضرت برای بار دوم سکوت کردند، و هنگامی که مردم آرام گرفتند صحبت خود را از سر گرفتند و چنین فرمودند :

متن خطبه فدکیه در مسجد

کلام خود را آغاز می‌کنم با حمد و سپاس خدائی که به ستایش و فضل و عزت و رفعت از همه کس سزاوارتر است . خداوند را بر نعمتهایی که عطا فرموده می‌ستایم، و بر الهامش سپاس می‌نمایم، و بر نعمتهای گسترده‌ای که ابتداءً عنایت نموده و نعمتهای فراوانی که عطا فرموده و تفضلات پی‌درپی که مرحمت کرده ثنا می‌گوییم . او را سپاس می‌گوییم با حمدهای بی‌پایانی که از حد شمارش بیرون است، و قدرت بر شکر همهی آنها نیست، و نهایت آنها قابل درک نخواهد بود. نعمتهایی که خداوند برای ازدیاد و دوام آنها ما را دعوت به شکرگزاری نموده، و بندگانش را بر فرستادن آنها مطیع خود گردانیده، و برای کامل نمودن بخششهایش از آنان حمد و ستایش خود را خواسته، و در کنار آن به طلب چنین نعمتهائی امر فرموده است .

گواهی می‌دهم که معبودی غیر «الله» نیست. تنها او معبود است و شریکی ندارد. کلمهای است که تأویل آن اخلاص است و متضمن رساندن قلوب به اعتقاد وحدانیت خداست، و آنچه را که عقل به آن پی می‌برد در اندیشه‌ها ظاهر نموده است. خداوندی که امکان دیدنش و قدرت توصیف او برای کسی نیست، و به خیال کسی نمی‌گنجد. خداوندی که تمام اشیاء را بدون آنکه چیزی قبل از آنان باشد بوجود آورده، و بی‌آنکه از نمونه‌هایی برای خلقت پیروی کرده باشد آنان را آفریده است. با قدرتش به آنان وجود داده و با اراده‌ی خود آنان را خلق فرموده، بدون آنکه نیازی به خلقت آنان داشته باشد یا فائده‌ای به او عائد شود .

بلکه علت در خلقت آنست که حکمت خود را برای ما سواش معلوم بنماید، و آنان را به اطاعت خود متوجه کند، و قدرت خویش را به منصفی ظهور برساند، و دلالت بر ربوبیتش نماید و خلق را به عبادت خود بخواند و به دعوت خود عزت و غلبه بخشد(۲). همچنین برای دوری آنان از عذابش و سوق آنان به بهشتش ثواب را بر اطاعت خود و عذاب را در معصیتش قرار داد.

بعثت پیامبر و مسیر رسالت

و گواهی می‌دهم که پدرم حضرت محمد بنده و فرستاده‌ی اوست، که خداوند او را قبل از خلقتش اختیار نمود، و قبل از بعثتش او را برگزید، و پیش از انتخابش نام او را معرفی کرد. این انتخاب هنگامی بود که مردم در مخفیگاه غیب پنهان بودند و در پس پرده‌های هولناک مستور و به نهایت عدم مقرون بودند .

علت این اختیار آن است که خداوند به سرانجام کارها آگاه و به حوادث روزگار احاطه دارد، و به زمان وقوع مقدرات عارف است. برای اتمام امر خود او را مبعوث گردانید، و به قصد اجرای حکم خود او را برانگیخت، و برای انفاذ مقدرات حتمی خود او را به پیامبری اختیار نمود. آنحضرت مردم را دید که هر گروهی دارای دین مخصوص به خود است، و به آتشی‌های افروختگی خود روی آورده و بتان خود را پرستش می‌نمایند، و با آنکه فطرتاً معرفت خدا را دارند ولی منکر او

هستند .

آنگاه خداوند متعال به برکت پدرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله ظلمتها را به نورانیت مبدل ساخت، و از قلبها؛ قساوت را برطرف نمود، و از دیدهها تحیر را زایل کرد، و مطالب مبهم را برای همگان روشن نمود. آن حضرت دعوت الهی خود را با هدف هدایت مردم آغاز کرد و آنان را از گمراهی نجات داد، و از لجاجتها آگاهی بخشید، و آنان را به دینی محکم هدایت نمود، و به راه مستقیم فراخواند .

سپس خداوند عزوجل او را با رأفت و رحمت و اختیار به سوی خود خواند تا او را از خستگی این دنیا آسوده گرداند و سنگینی بار ناملایمات را از او بردارد (۳) ، و او را در احاطهی ملانکهی ابرار و رضوان پروردگار غفار و مجاورت ملک جبار قرار دهد. درود خدا بر پدرم پیامآور و امین وحی خدا و برگزیده و منتخب از خلق و مرضی او. درود و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.

خطاب حضرت زهرا به مهاجرین و انصار

آنگاه حضرت زهرا علیهاالسلام متوجه اهل مجلس شدند، و خطاب به تمام مهاجران و انصار فرمودند :
شما بندگان خدا پرچم و علم امر و نهی الهی، و در بردارنده دین و وحی او و پاسداران خدا بر خود هستید، و رسانندهی احکام الهی به دیگر امتهایی که در اطراف شمایند می‌باشید. در بین شما شخصی است که استحقاق زعامت دارد، و او کسی است که قبلاً در مورد اطاعت او متعهد شده‌اید. ((۴)

قرآن و اهل بیت

و ما یادگاران هستیم که خداوند ما را نمایندگان خود بر شما قرار داده، و به همراه ما کتاب ناطق الهی و قرآن صادق و نور تابناک و شعاع درخشندهای است که دلیلهای آن روشن و اسرار آیاتش ظاهر است، و با ما دلیل و برهانی است (۵) که ظواهرش متجلی و استماع آن برای مردم همیشگی است (و ملال آور نیست .)
پیروان او بخاطر آن مورد رشک دیگران هستند، و تبعیت او بشر را به رضوان خدا سوق می‌دهد، و گوش دادن به آن نجات را بدنبال می‌آورد. در او است بیان دلیلهای نورانی الهی، و پندهای مکرر خداوند، و واجباتی که تبیین شده و محرمانی که از آن منع گردیده، و احکامی که کافی است و ادلهای که روشن است و کلماتی که شفافبخش است، و فضائلی که بدان دعوت شده، و اموری که اجازهی انجام آن داده شده، و رحمتی که امید آن می‌رود، و قوانینی که واجب شده است .

حکمت دستورات الهی

پس خداوند ایمان را طهارت شما از شرک قرار داد، و نماز را دوری از کبر، و زکات را صفای روح و زیادی در روزی و روزه را تحکیم اخلاص، و حج را بلندی و رفعت دین و احیای سنتها و اعلان شریعت، و عدالت را نظام قلبها و قبولی دین، و اطاعت ما اهل بیت را موجب نظام داشتن ملت، و امامت ما را امان از تفرق و جدائی، و جهاد را عزت اسلام، و صبر را کمکی بر استحقاق اجر، و امر بمعروف را باعث مصلحت عمومی، و نهی از منکر را برای تنزیه دین، و نیکی به والدین را حفظ از نارضایتی، و صلهی ارحام را مایه طولانی شدن عمر و کثرت افراد یکدل، و قصاص را حفظ خونها، و وفای به نذر را روزنهای برای بخشش گناهان، و کامل نمودن کیل و وزن را برای حفظ اموال از نقص و ضرر، و نهی از نوشیدن شراب را دوری از پلیدی، و پرهیز از نسبت ناروا به بانوان عقیفه را مانع از لعنت، و دوری از دزدی را سبب جلوگیری از اعمال زشت و نخوردن مال یتیم و برنداشتن آن را پناهی از ظلم، و نهی از زنا را حفظ از غضب الهی، و عدالت در احکام را مایهی دلگرمی مردم، و ظلم نمودن در حکم را برای ترس از حق قرار داده، و برای اخلاص در

قبول ربوبیت خود شرک را حرام نموده است. (۶)

پس تقوای الهی را در بالاترین درجه پیشه‌ی خود بنمائید، و در حالی از این دنیا بروید که مسلمان باشید، و از فرامین خدا روی برنگردانید، و آنچه امر فرموده اطاعت کنید و از آنچه نهی فرموده خودداری کنید، و پیرو علم باشید و بدان تمسک کنید که فقط بندگان آگاه از خدا می‌ترسند. پس حمد و ثنای خدائی را بجا آورید که با عظمت و نورش تمام اهل آسمان و زمین در جستجوی وسیله‌های بسوی اویند. و ما آن وسیله‌ی الهی در خلقت هستیم، و ما آلرسول خدائیم، و ما مقربان درگاه خدا، و جایگاه قدس او، و حجت غیبی الهی و وارث انبیای اویم.

بدانید من فاطمه ام!

سپس فرمود :

ای مردم بدانید من فاطمه‌ام، و پدرم محمد که فرستاده‌ی پروردگارتان و خاتم پیامبرانتان است. کلام اول و آخر من این است، و در این مطلب اشتباه نمی‌کنم و آنچه که انجام می‌دهم گزاف نیست و سخن به دروغ نمی‌گویم. (۷) پس با گوشه‌های شنوا و قلبهای آگاه سخن مرا گوش کنید.

سیر رسالت

آنگاه فرمود: بسم الله الرحمن الرحيم، فرستاده‌ی خدا نزد شما آمد که از شما بود و تحمل مشقت شما بر او دشوار بود و او نسبت به هدایت شما بسیار پافشاری داشت و نسبت به مؤمنین با رحمت و رأفت بود. اگر در حسب و نسب او نظر کنید و او را بشناسید می‌یابید که در بین تمام زنان او تنها پدر من است، و در بین تمام مردان او تنها برادرِ پسر عموی من (علی علیه‌السلام) است و چه خوب انتسابی است. او رسالت الهی خود را بانجام رسانید و امور باعث عذاب پروردگار را اظهار نمود، و از راه و روش مشرکان روی گرداند (۸)، و از سنت جاهلی آنان اعراض نمود. کمر آنان را در راه رسالتش شکست، و گلوی آنان را فشرد، و مردم را با حکمت و پند نیکو به راه خدا دعوت نمود.

بتان را شکست و سرهای گردنکشان را به خاک افکند، تا آنکه اجتماع آنان را از هم پاشید و آنان از صحنه پشت نمودند و نور صبح هدایت ظلمت شرک را شکافت و پرده از حق برداشته شد. زعیم دینی گوینده شد، و آتش کفر خاموش گردید، و زبان شیاطین لال شد و پست فطرتان منافق هلاک شدند، و گره‌های کفر و خلاف از هم گشوده شد، و شما به کلمه‌ی اخلاص تکلم نمودید با عده‌ای از پاکان که عقیف بودند. شما بر لبه‌ی پرتگاه آتش قرار داشتید که پیامبر الهی شما را نجات داد. شما کسانی بودید که بتان را پرستش می‌کردید، و قمار بازی می‌کردید.

چنان خوار بودید که جرعه‌ی هر نوشنده، و شکار هر طمعکار، و همچون آتشگیرهای که بردارنده‌ی آن زیاد توقف نمی‌کند بودید (۹)، و زیر قدمهای دیگران قرار داشتید. آب آشامیدنی شما آب کدر، و خوراک شما پوست دباغی نشده بود. (۱۰) می‌ترسیدید که مردم از اطرافتان ناگهان بر شما حمله کنند.

امیرالمؤمنین در تبلیغ رسالت

تا آنکه خداوند تبارک و تعالی به برکت پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله شما را بعد از این همه سختیها نجات داد، و بعد از آنکه او گرفتار پهلوانان کفار و گرگان عرب و گردنکشان اهل کتاب گردید، هرگاه که آتش جنگ را

می‌افروختند خداوند آن را خاموش می‌نمود و هر زمان که قدرت پیروان ضلالت ظاهر می‌شد یا دشمنان مشرک دهان خود را برای از بین بردن شما باز می‌کردند برادرش علی را برای نابودی آنان به عمق دهانشان می‌افکند. (۱۱) او هم تا گوشه‌های آنان را پایمال نمی‌کرد، و آتش آنان را با تیزی شمشیرش خاموش نمی‌نمود باز نمی‌گشت. او (علی علیه‌السلام) کسی بود که در راه خدا سختی و مشکلات را تحمل می‌کرد و استقامت از خود نشان می‌داد، و نزدیکترین اشخاص به پیامبر و آقای اولیای خدا بود. در راه خدا کمر همت بسته بود و دلسوزانه و با جدیت و تلاش پیگیر عمل می‌کرد، و در راه خدا سرزنش ملامت کنندگان تأثیری در او نداشت.

و این در حالی بود که شما در زندگی راحت و در کمال آرامش و امنیت و نشاط بودید، و در رفاه زندگی خوش می‌گذراندید. غذای لذیذ می‌خوردید و آب زلال می‌نوشیدید و انتظار رسیدن بلاها را بر ما داشتید و منتظر شنیدن اخبار آن بودید! (۱۲) و چون جنگی شدت می‌گرفت خود را کنار می‌کشیدید، و هنگام کارزار و جنگ فرار می‌کردید.

رفتار مردم بعد از رحلت پیامبر

هنگامی که خداوند جایگاه انبیا و منزلگاه برگزیدگان را برای او اختیار نمود و آنچه به او وعده داده بود به اتمام رساند کینه و دشمنی ناشی از نفاق شما ظاهر گردید، و پوشش دین کهنه شد و جامه‌هاش مندرس و استخوانش ضعیف گردید، و آن قدرت ضعیف از بین رفت. خشم فروخورده‌ی گمراهان به تکلم درآمد، و گمنام ذلیلان ظاهر شد، و شخص مورد قبول اهل باطل صدا درآورد، و در عرصه‌ی شما قدرتمایی کرد. (۱۳) شیطان از کمینگاه خود سر برآورد و شما را بسوی خود خواند و شما را دعوت نمود و دید که دعوت او را اجابت می‌نمایید و آماده‌ی فریب خوردن از او هستید، و چون شما را به قیام بر علیه حق خواند قیام و سرعت قبول شما را یافت، و چون شما را بر ضد حق به غضب و خشم در آورد شما را غضبناک دید. پس شتر دیگران را برای خود علامتگذاری نمودید و آن را به آبی که از آن شما نبود حاضر کردید. تمام این قضایا در حالی بود که فاصله‌ی زیادی نشده و زخم هنوز وسیع بود و جراحت هنوز التیام نیافته و پیامبر هنوز دفن نگردیده بود! (با نیرنگ و دروغ بر مردم جلوه دادید که حضورتان در سقیفه برای دفع فتنه بوده است). به گمان ترس از بروز فتنه به سرعت اقدام کردید ولی بدانید که در فتنه سقوط کردید و جهنم کافران را از هر سو در بر می‌گیرد.

این کارها از شما بعید بود و چگونه چنین کاری کردید و به کجا باز می‌گردید، با اینکه کتاب خدا در بین شماست؟! کتابی که امورش ظاهر و احکامش نورانی و علامتهایش واضح و نواهی‌ش تبیین شده و اوامرش روشن است. به چنین کتاب خدایی پشت نمودید.

وای بر شما! آیا می‌خواهید از او روی گردانید یا به غیر آنچه که در آن است حکم کنید؟ بد جایگزینی برای ظالمان است، و کسی که غیر اسلام را به عنوان دین برگزیند از او قبول نمی‌شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود. سپس درنگ نکردید مگر به مقدار آرام شدن فتنه و جای گرفتن قلاده‌ی آن که شروع نمودید در برافروختن شعله‌های فتنه و برانگیختن هیزمهای آن و ندای شیطان مکار را اجابت کردید و شروع به خاموش کردن انوار دینی روشن و بی‌اعتنایی به سنتهای پیامبر برگزیده نمودید.

به ظاهر طرفداری از دین می‌نمایید در حالی که در باطن به نفع خود عمل می‌کنید و نسبت به اهل بیت و فرزندان با حيله و نیرنگ رفتار می‌کنید (۱۴) ما در مقابل اذیت‌های شما صبر می‌کنیم مانند صبر کسی که با چاقوهای بزرگ و پهن اعضایش را قطعه قطعه کنند و تیزی نیزه را در بدنش فروبرند!

و شما اکنون معتقدید که ارثی و نصیبی برای ما اهل بیت نیست! آیا در پی حکم جاهلیت هستید؟! و چه حکمی بهتر از حکم الهی برای گروهی است که یقین دارند؟ آیا نمی‌دانید؟! البته که همچون آفتاب تابنده برای شما روشن است که من دختر اویم. از شما مسلمانان بعید است! آیا ارث پدرم بهزور گرفته شود؟

ای پسر ابوقحافه، آیا در کتاب خدا نوشته شده که تو از پدرت ارث ببری ولی من از پدرم ارث نبرم؟ مطلبی تعجب‌آور و متحیرکننده آورده‌اید که از روی جرأت بر قطع رحم رسول الله و شکستن پیمان چنین اقدامی کرده‌اید! آیا از روی عمد کتاب خدا را رها کرده و پشت سر خود افکندید؟ آنجا که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و سلیمان از داود ارث برد» (۱۵) و آنچه حکایت نموده از قضیه‌ی یحیی و زکریا آنجا که می‌فرماید:

«پروردگارا... فرزندی به من عنایت فرما که از من و از آل یعقوب ارث ببرد» (۱۶) و فرموده: «و خویشان میت بعضی بر بعض دیگر در کتاب خدا در ارث بردن تقدم دارند» (۱۷) و فرموده: «خداوند در رابطه‌ی با اولادتان سفارش می‌نماید که فرزندان پسر دو برابر فرزندان دختر ارث می‌برند» (۱۸) و فرموده: «اگر میت چیزی بعد از خود باقی بگذارد برای والدین و خویشان به نیکی وصیت نماید، این حقی است که متقین باید آن را انجام دهند». (۱۹)

گمان نمودید بهره‌ای از ارث برای من نیست و از پدرم ارثی به من نمی‌رسد و بین من و پدرم نسبتی نیست؟! آیا خداوند شما را به آیه‌های اختصاص داده که پدرم را از آن خارج نموده است؟ یا می‌گوئید ما اهل دو مذهب هستیم که از یکدیگر ارث نبریم؟! آیا من و پدرم هر دو اهل یک مذهب نیستیم؟! یا اینکه شما به عام و خاص قرآن از پدرم و پسرعمویم (علی علیهما السلام) آگاه ترید؟

اکنون که فدک را نمی‌دهی این مرکب زین و افسار شده‌ی آماده را بردار تا در قبر همراه تو باشد و روز قیامت وبال آن گریبان‌ت را بگیرد. خداوند خوب حکمکننده‌های و حضرت محمد صلی الله علیه و آله خوب زعیمی و قیامت خوب وعده‌گامی است. بعد از مدت کوتاهی پشیمان می‌شوید، و در روز قیامت اهل باطل زیان می‌کنند، و زمانی پشیمان می‌شوید که برای شما نفعی ندارد، و برای هر خبری زمان وقوعی است، و بزودی می‌فهمید عذاب خوار کننده گریبان چه کسی را می‌گیرد و چه کسی است که عذاب دائمی بر او نازل می‌شود.

خطاب به پیامبر (ص)

سپس حضرت نظری به مرقد پدر افکند و بغض گلویش را فشرده و در ضمن ابیاتی از شعر چنین فرمود:

ای پدر! بعد از رحلت تو واقعه‌های بزرگ و قضایای مشکلی واقع شد، که اگر تو شاهد آن بودی مصیبت برایمان بزرگ نمی‌آمد.

ما همچون زمینی که باران فراوان را از دست دهد تو را از دست دادیم، و قوم تو فاسد گردیدند. پس شاهد آنان باش و غائب مباش. و برای هر اهلی مزیت و برتری بر دیگر نزدیکان نزد خدای متعال است. آن هنگام که تو رفتی و خاک بین ما و تو حایل شد مردمانی کینه‌های خود را بر ما ظاهر نمودند.

اکنون که تو از بین ما رفته‌ای و تمام زمین غصب شده مردم با چهره‌ی گرفته با ما روبرو می‌شوند و ما خوار شده‌ایم، و بزودی در روز قیامت باعث ظلم خانوادگی ما می‌فهمد که به کجا باز می‌گردد.

تو همچون ماه چهارده شبه و نوری بودی که از تو کسب نور می‌شد و کتابهای آسمانی از طرف خدای با عزت بر تو نازل می‌گردید.

و جبرئیل با آوردن آیات الهی با ما انس داشت و با رفتن در تمام خیرها را بست. شهر من با آن وسعتش بر من تنگ شده و دو سبط تو خوار گشتند که در این برای من بلایی است.

ای کاش قبل از رفتن تو مرگ با ما روبرو می‌شد هنگامی که تو از پیش ما رفتی و تلی از خاک مانع از تو شد. ما مبتلا

به مصیبت از دست رفتن عزیزی شدیم که هیچ محزونی از مردم چه عرب و چه عجم به رفتن چنین عزیزی مبتلا نشده است.

پس هر اندازه که در این دنیا زندگی کنیم و تا زمانی که چشمهایمان باقی است برای تو با اشکی ریزان گریه می‌کنیم.

سپس این اشعار را در ددل نمود:

تا روزی که تو زنده بودی حمایتکنندهای داشتم و با آسودگی رفت و آمد می‌نمودم و تو بال من و یاورم بودی، ولی امروز در برابر فردی ذلیل خاضع شده‌ام و از او فاصله می‌گیرم و به دست خود ستمگران را دور می‌کنم. در حالی که قُمری از روی غصه، شبانه روی شاخهای گریه می‌کند، من در روز روشن بر مصائبم اشک می‌ریزم.

خطاب به انصار

سپس حضرت نگاهی به جانب انصار نمودند و فرمودند:

ای یادگاران زمان پیامبر، و ای یاوران دین و پناهدهندگان اسلام! این چه سستی است در یاری من و چه ضعفی است در کمک به من و چه کوتاهی است در بارهی حق من و چه خوابی است که در مورد ظلم به من شما را فراگرفته است؟! آیا پیامبر صلی الله علیه و آله پدرم نمی‌فرمود: «حُرمت هر کسی را نسبت به فرزندانش باید نگاه داشت»؟ چه زود کار خود را کردید، و عجب زود به کاری که زمانش نرسیده بود اقدام نمودید!

و شما قدرت کمک به آنچه من طلب می‌کنم و قوت برگرفتن آنچه در پی آن هستم و می‌خواهم دارید. آیا به راحتی می‌گویید «محمد رسول خدا از دنیا رفت»؟ (۲۰) بخدا قسم این واقعه‌های مهم است که شکافی عظیم و گسیختگی گسترده‌ای همراه داشت، و التیامدهندی آن مفقود بود. با غیبت پیامبر زمین تاریک گردیده، و برگزیدگان الهی محزون گشته‌اند، و در مصیبت او آفتاب و ماه گرفته و ستارگان پراکنده شدند. با رحلت او امیدها به یأس مبدل شد، و اموال غارت شد و حریم آنحضرت از بین رفت، و حرمت او مورد اهانت قرار گرفت. با رفتن او امت در فتنه افتادند و ظلمت همه جا را فراگرفت و حق از بین رفت.

بخدا قسم رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بلیهی بسیار بزرگ و مصیبت عظیم است که مصیبتی مثل آن و حادثه‌ای ناگواری همچون آن در دنیا نخواهد بود و به این مصیبت عظمی کتاب خدا در خانه‌هایتان و در هر صبح و شام آگاهی داده و به آن در گوشه‌هایتان با ندا و فریاد و خواندن و فهماندن خبر داده است.

و همچنین خبر داده از آنچه که به انبیای الهی و فرستادگان خداوند در گذشته رسیده که حکم‌نهایی و قضا و قدر حتمی است. (آنجا که فرموده:) «و نیست محمد مگر فرستاده‌ی خدا که قبل از او پیامبران آمده‌اند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود به جاهلیت خود برمی‌گردید و مرتد می‌شوید؟ کسی که مرتد شود به خداوند ضرری نمی‌رساند، و خداوند شکر گزاران را پاداش می‌دهد». (۲۱)

ظلم به فاطمه در انظار مردم

از شما بعید است ای پسران قَیْلَه! (۲۲) آیا در ارث پدرم به من ظلم شود در حالی که شما حال مرا می‌بینید و صدای مرا می‌شنوید و اجتماعتان منسجم است و ندای نصرت‌طلبی من به شما می‌رسد، و آگاهی بر مظلومیت من همگی شما را فراگرفته است؟!

این در حالی است که شما هم تدارکات و افراد و هم خانه و سرپوش و هم وسیله و قدرت و هم اسلحه و وسیله‌ی دفاع دارید. فراخوانی من به شما می‌رسد ولی پاسخ نمی‌دهید! و فریاد من به شما می‌رسد ولی به دادخواهی نمی‌آید! شما متصفید به این که بر دشمن بدون سپر و زره حمله می‌کنید و به خیر و صلاح شناخته شده‌اید. و شما کسانی هستید که به عنوان برگزیده‌ی خدا و منتخب او برای ما اهل بیت انتخاب شده‌اید. و همان کسانی هستید که با عرب به مبارزه برخاستید و خود را وارد امور سخت کردید و متحمل سختی و زحمت شدید و با امتها به جنگ برخاستید و پهلوانان را بدون سستی دور نمودید.

ما و شما چنان بودیم که شما را امر می‌کردیم و شما اطاعت می‌کردید، تا بوسیله‌ی ما برای شما موقعیت پا برجایی بدست آمد، و توسط ما آسیاب اسلام برای شما به گردش درآمد، و برکات روزگار (۲۳) به جریان افتاد، و تکبر شرک به ذلت کشیده شد، و جوشش دروغ ساکن گردید، و آتش جنگ خاموش گشت، و دعوت به فتنه و آشوب آرام گرفت، و دین در اجتماع شکل گرفت.

با امامان کفر بکنید!

بعد از این سوابق، حال بعد از روشن شدن حق به کجا می‌روید، و بعد از آنکه بیان شده بود، و بعد از اعلان حق کجا آن را پنهان کردید، و چرا بعد از این اقدامات به گذشته‌ی خود رجوع نمودید و بعد از ایمان مشرک شدید، و بعد از شجاعت ترسیدید از گروهی که بعد از پیمان بستنشان سوگندهای خود را شکستند و در دین شما طعنه وارد نمودند.

با امامان کفر جنگ کنید که آنان پایبند به سوگندهایشان نمی‌باشند، تا شاید از کارهای خود برگردند. آیا با گروهی که سوگندهای خود را نادیده گرفتند و قصد بیرون نمودن رسول الهی را دارند کارزار نمی‌نمایید، و حال آنکه آنان ابتدا شروع به جنگ نمودند؟ آیا از آنان هراس دارید؟ خداوند سزاوارتر است که از او بترسید اگر مؤمن هستید.

خواری حق به دست مردم

آگاه باشید! بخدا قسم شما را می‌بینم که به زندگی راحت میل نمودهاید، و کسی که سزاوار منصب حل و فصل امور است از جایگاهش دور نمودید، و تن به راحتی در داده‌اید، و از جای وسیع به جای تنگ پناه آورده‌اید، و از دین برگشتید و آنچه را که حفظ می‌کردید دور افکندید، و چیزی را که به آسانی خورده بودید برگردانید. اگر شما و تمام کسانی که در زمین هستند کافر شوند خداوند از همهی آنها بی‌نیاز است و خداوند سپاس شده است. آیا خبر کسانی که قبل از شما از قوم نوح و عاد و ثمود و اقوامی که بعد از اینان آمدند به شما نرسیده؟ قضایای آنان را جز خدا نمی‌داند که رسولان الهی با بینات به سوی آن اقوام آمدند، ولی آنان دستهای خود را در دهان خود گذارده و گفتند: ما به آنچه شما فرستاده شده‌اید کافریم، و ما در آنچه ما را بسویش می‌خوانید در شک و تردید هستیم.

نفرین بر کسی که دختر پیامبر را خوار کند

نفرین بر کسی که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را خوار کند

من گفتم آنچه گفتم در حالی که می‌دانم یاری نکردن وجودتان را فراگرفته و بی‌وفائی همچون لباسی بر قلبهای شما پوشیده شده است. ولی این سخنان بخاطر بر لب رسیدن جانم بود، و آههائی بود که برای خاموش نمودن آتش

غضبم کشیدم، و سستی تکیه‌گاهم بود و ضعف یقین شما است و اظهار غصه‌ی سینهام است که دیگر نتوانستم آن را مخفی کنم و برای اتمام حجت بود.

پس شتر خلافت را بگیرد و با طناب، رَحْل (۲۴) آن را محکم به شکم آن ببندید، در حالی که کمر آن شتر مجروح شده و استخوانهایش شکسته و پاهایش ضعیف شده و کف پاهایش نازک گردیده و عیب آن همیشه باقی است. به غضب خدای جبار و ننگ ابدی علامتگذاری شده، و پیوسته به آتش الهی روشن است. آتشی که بر قلبها اثر می‌گذارد و در عمودهای کشیده بر آنان ملازم شده است. آنچه انجام می‌دهید نزد خداوند محفوظ است و به زودی کسانی که ستم کردند می‌فهمند به کجا می‌روند.

من دختر پیامبرتان هستم!

من دختر کسی هستم که شما را از عذاب شدیدی که در پیش دارید ترسانید. پس همگی درباره‌ی من حيله بکار بندید و به تأخیر نیندازید! شما کار خود را بکنید که ما هم در کار خود هستیم و منتظر باشید که ما هم منتظریم.

پروردگارا بین ما و قوممان به حق حکم کن و تو بهترین حکمکننده هستی و به زودی کفار خواهند دانست که عاقبت کار به نفع کیست. و بگو عمل کنید که به زودی خدا و رسول و مؤمنین عمل شما را می‌بینند و نامه‌ی اعمال هر انسانی را برگردن او آویخته‌ایم. بنابراین هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای عمل خیر انجام دهد نتیجه‌اش را می‌بیند و هر کس ذره‌ای عمل شر انجام دهد نتیجه‌اش را خواهد دید. و گویا کار چنین مقدر شده است.